

فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز: رد خون» پروانه نمایش نگرفته، اما هیچ کس به روشنی درباره علت آن صحبت نمی کند

ماجرای مرموز «ردخون»



وقتی در جشنواره فجر سی وچهارم، فیلم «بادیگارد» برای کارگردانی حتی نامزد هم نشد و آثار سخیفی که اصولاً حضور بعضی از آنها در فجر، محل بحث بود، به جمع نامزدها راه پیدا کردند، برای خیلی‌ها مشخص شد که رئیس وقت سازمان سینمایی، در زبیریا گذاشتن معیارهای هنری به نفع علائق سیاسی و جناحی، بی‌پروترین مدیر در وزارت ارشاد است، اما حجت‌الله ایوبی سال بعد باز هم رکورد خود را شکست. داوری‌های فجر در دوره سی وپنجم این فستیوال به قدری بی‌قاعده و دلخواهی و فرقه‌ای شده بود که در همان شب اعلام نامزدها، سه نفر از کاندیداهای رشته‌های اصلی از شرکت در ادامه رقابت کناره‌گیری کردند. منیر قیدی، کارگردان «ویلاهی‌ها» که در بخش بهترین فیلم‌نامه کاندید بود، مسعود سلمی، مدیر فیلمبرداری که برای فیلم «گشت ۲» کاندید بود و محسن نصراللهی که برای طراحی صحنه «بدون تاریخ، بدون امضا» جزء کاندیداها قرار داشت، این سه نامزد بودند. حجت‌الله ایوبی توانسته بود اتفاق بی‌سابقه‌ای را رقم بزند، اما پرخاشیه‌ترین اتفاق مربوط به سری اول فیلم «ماجرای نیمروز» به کارگردانی محمدحسین مهدویان می‌شد. داوری‌ها به قدری توانست درخصوص این فیلم حاشیه‌برانگیز باشد که کارگردان «ماجرای نیمروز» در یادداشت تندی جشنواره سی وپنجم فجر را به چیزِی که توقعش نمی‌رفت، تشبیه کند و خطاب به عوامل فیلمش بگوید: «سیمرغ کیلویی چند! همه جا حرف شماس. به قول جلال آل احمد اگر حرف درست بر در یک طولیه نوشته شده باشد دیده می‌شود. برید خدا را شکر کنید که حرف شما از روی دیوار این طولیه رفت تا همون جایی که باید بره.» اعتراض بهروز افخمی، کارگردان سینما و مجری برنامه سینمایی «هفت» به‌نادیده گرفته‌شدن «ماجرای نیمروز»، ابعاد اصلی قضیه را روشن کرد. تنها حجت‌الله ایوبی می‌توانست باور کند که مخاطبان سینما گول خواهند خورد و سلیقه فیلم‌بینی داوران را دلیل این نادیده گرفتن بزرگ خواهند دانست. افخمی در هفت گفت: «وقتی داور جشنواره فیلم فجر تابعیت دوگانه دار، چگونه می‌تواند به فیلمی علیه منافقین رای بدهد؟ آنها دارند آنجا زندگی می‌کنند و می‌ترسند. نکته ترسناکی است که پنج تا از داورها تابعیت دوگانه دارند؛ یکی آمریکا و چهار تا کانادا. حالا اینها چطور می‌توانند به فیلمی که به وضوح، بهترین فیلم جشنواره است، رای بدهند.»

اما اگر صحبت‌های افخمی را می‌شد یک گمانه‌زنی، هرچند با درجه‌احتمال بالا دانست، یادداشت اینستاگرامی سردبیر هفته‌نامه «چلچراغ» که یک رسانه اصلاح‌طلب بود، همه شک‌ها را به یقین تبدیل کرد. آقای سردبیر با انتشار تصویری از جلد این هفته‌نامه، ظهر سه‌شنبه ۱۱ تیرماه، روابط‌عمومی سازمان امور سینمایی و سمعی- بصری اعلام کرد شورای پروانه نمایش، در کنار ۶ فیلم دیگر مجوز اکران «ماجرای نیمروز؛ ردخون» به‌تهیه‌کنندگی محمود رضوی و کارگردانی محمدحسین مهدویان و نویسندگی حسین تراب‌نژاد را با درجه‌بندی سنی ۱۲+ صادر کرده است. چند ساعت بعد از اعلام این خبر، سیدمحمودرضوی و محمدحسین مهدویان در پیام‌های جداگانه‌ای در فضای مجازی، حرف‌های جدیدی در این مورد زدند که درنهایت با پیام ابراهیم داروغه‌زاده معاون ارژشیایی و نظارت سازمان سینمایی همراه بود. رضوی بعد از عدم صدور مجوز برای بخش فیلمش که البته تا یک قدمی صدور پروانه رفته بود، پیامی را به شرح زیر منتشر کرد: «می‌ترسم اشک در غم‌های ما درخصوص «ماجرای نیمروز؛ رد خون» پرده‌ر شود و این رازهای سربه‌مهر ما، آخر یک روز به عالم سمر شود؛ ما هنوز پروانه نمایش «ماجرای نیمروز؛ ردخون» را ندیده‌ایم، اما دیروز در جلسه‌ای آقای

ابراهیم داروغه‌زاده گفتند اگر اصلاحات مدنظر شورا انجام بشود، پروانه صادر می‌شود.» او نوشت: «توانستم منطق مخالف برخی مدیران اصلاح‌طلب را با جلد شدن این فیلم درک کنم و درنهایت تصمیم به استعفا از سردبیری مجله محبوبم گرفتم. شاید ماجرای ترس داوران دوتابعیتی از جایزه دادن به این فیلم در بدنه مطبوعات هم رخنه کرده است؛ ترسی که ریشه در تابعیت دوگانه افرادی دارد که نمی‌خواهند با توجه‌نشان دادن به فیلمی ضدمنافقین در خارج از مرزها دچار مشکل شوند.» فردای همان روز یکی از رسانه‌ها گزارشی نوشته بود که مشخص می‌کرد غیر از بحث داوران بخش مسابقه، محمد حیدری، دبیر آن دوره از جشنواره فجر هم یک مدیر دوتابعیتی بود که خانواده‌اش در آمریکا زندگی می‌کردند. این رسوایی‌ها سرانجام باعث شد آرای داوران در همان یکی دو شب گردش‌های نرمی بکند و «ماجرای نیمروز» سیمرغ بلورین بهترین را ببرد. حجت‌الله ایوبی و محمد حیدری هم بعد از چند سال ناچار به کناره‌گیری از سمت‌هایشان شدند. هفته‌نامه چلچراغ هم با همان طرح جلد منتشر شد، اما مدیران بعدی سازمان سینمایی هم البته این بار با چراغ خاموش، همان مسیر را دربارِه این فیلم ادامه دادند. «ماجرای نیمروز» برای شرکت در مراسم اسکار از طرف ایران انتخاب نشد و سال بعد که مهدویان با فیلم دیگری به نام «لاتاری» در این فستیوال حضور داشت، تقریباً از داوری‌های نهایی حذف شد.

حرف و حدیث‌های جدید از کجا شروع شد؟

ظهر سه‌شنبه ۱۱ تیرماه، روابط‌عمومی سازمان امور سینمایی و سمعی- بصری اعلام کرد شورای پروانه نمایش، در کنار ۶ فیلم دیگر مجوز اکران «ماجرای نیمروز؛ ردخون» به‌تهیه‌کنندگی محمود رضوی و کارگردانی محمدحسین مهدویان و نویسندگی حسین تراب‌نژاد را با درجه‌بندی سنی ۱۲+ صادر کرده است. چند ساعت بعد از اعلام این خبر، سیدمحمودرضوی و محمدحسین مهدویان در پیام‌های جداگانه‌ای در فضای مجازی، حرف‌های جدیدی در این مورد زدند که درنهایت با پیام ابراهیم داروغه‌زاده معاون ارژشیایی و نظارت سازمان سینمایی همراه بود. رضوی بعد از عدم صدور مجوز برای بخش فیلمش که البته تا یک قدمی صدور پروانه رفته بود، پیامی را به شرح زیر منتشر کرد: «می‌ترسم اشک در غم‌های ما درخصوص «ماجرای نیمروز؛ رد خون» پرده‌ر شود و این رازهای سربه‌مهر ما، آخر یک روز به عالم سمر شود؛ ما هنوز پروانه نمایش «ماجرای نیمروز؛ ردخون» را ندیده‌ایم، اما دیروز در جلسه‌ای آقای

اسمش اصلاحات نیست؛ استحاله است.» بعد از این پیام‌ها بود که داروغه‌زاده رئیس وقت که در هفته‌های قبل به‌علت اکران فیلم دختر شیطان مورد نقد رسانه‌ها قرار گرفته بود، در پیامی نوشت: «سید عزیز شما همیشه با صبر و تلاش مجاهدانه از موانع سخت عبور کرده‌اید و بحمدالله موفق هستید. فأسنَم کما أمَرت.» البته زیر پست توییتتری سیدمحمود رضوی حرف‌ها و نظرهای دیگری هم رد و بدل شد و کاربری از تهیه‌کننده «ماجرای نیمروز؛ رد خون» خواست که اگر بخش‌هایی از فیلم سانسور شد، آن را در فضای مجازی بازنشر دهد که البته محمود رضوی در پاسخ قاطعی گفت: «حتماً کار غیرقانونی نمی‌کنیم یا مجوز بخش سانس یا پلانی را داریم و نمایش عمومی می‌دهیم یا اگر اصلاح کردیم، به‌آن پایبندیم. اگر من و امثال من حرمت مجوزهای ارشاد را حفظ نکنیم، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، آن وقت فرق ما با فلان فیلم که نسخه‌ای خلاف مجوز ارشاد پخش کرد، چه می‌شود؟»

از جان «ردخون» چه می‌خواهند؟

دوربین محمدحسین مهدویان، دعوی این را ندارد که به اتفاقات تاریخی نزدیک شود و درادور سوزه‌هایش را دنبال می‌کند؛ روایتی با نماهای دور و در قصه‌گویی نزدیک به اتفاق تاریخی. این را در مستند تلویزیونی «آخرین روزهای زمستان» و در فیلم‌های «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز ۱» هم می‌توان دید. «ماجرای نیمروز ۱» از صبح روز سی‌ام خرداد ۱۳۶۰ و آشوب‌های خشونت‌بار منافقین و درگیری‌های به وجودآمده آغاز می‌شود و با داستانی پرکشش و جذاب، عملیات تروریستی این فرقه را در ماه‌های بحرانی سال ۶۰ روایت می‌کند. پایان قصه هم همان روز ۱۹ بهمن ۶۰ را تصویر می‌کند؛ روزی که نیروهای



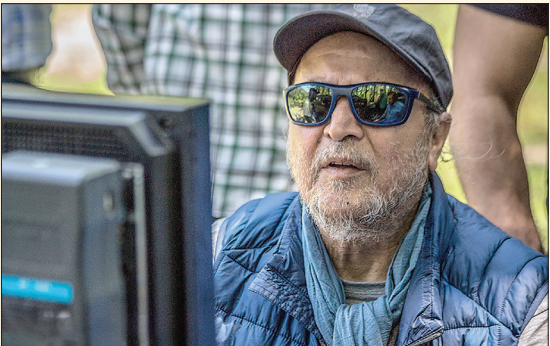
ضربت دادستانی و کمیته انقلاب اسلامی مرکز باهمراهی نیروهایی از واحد اطلاعات سپاه، بعد از چندماه کار پیچیده و دشوار اطلاعاتی مقرر اصلی مرکزیت منافقین را در محله زعفرانیه تهران محاصره کردند. این خانه محل سکونت راس رهبری سازمان در داخل کشور یعنی موسی خیابانی بود که به همراه او حدود ۲۰ نفر از کادرهای اصلی منافقین حضور داشتند. در زمان اکران «ماجرای نیمروز ۱» در جشنواره سی وپنجم برخی انتقادها مطرح می‌شد مبنی بر اینکه کارگردان تصویری ناقص از تاریخ دهه ۶۰ ارائه داده است. واقعیت امر این است که اصلانه قرار این فیلم، روایتی نعل‌بعل تاریخ بود و نه امکان‌پذیر بود در حدود دوساعت فیلم همه آنچه اتفاق افتاد بازخوانی شود. برای همین بود که «ماجرای نیمروز ۱» مورد بازخواست عمومی قرار نگرفت و البته در اکران هم رضایت نسبی مخاطبان را به همراه داشت. اما انگار از همان اول کار قرار بود سرنوشت «ماجرای نیمروز؛ ردخون» به شکل دیگری رقم بخورد. انتقادها بعد از اکران جشنواره سی وهفتم شروع شد و غالب نقدها معطوف به مقایسه‌اش با «ماجرای نیمروز ۱» می‌شد. «ماجرای نیمروز؛ ردخون» به لحاظ فنی هم قدوقواره قسمت اولش نبود، ولی به‌نسبت دیگر فیلم‌های جشنواره سی وهفتم استوارتر بود. این بار مهدویان یک جسارت دیگر هم به خرج داده بود. دوربین «ماجرای نیمروز ۱» به داخل خانه تیمی موسی خیابانی نرفته و ارتباطات درون سازمانی منافقین و حتی روابط عاطفی اعضایش را دستمایه قصه نکرده بود، اما در «ماجرای نیمروز؛ ردخون» دوربین به زندگی و آدم‌های گرفتار سازمان، نزدیک‌تر شده بود. البته پیش از او، بهروز شعبیعی در فیلم «سیانور» به‌شدکی خفیف‌تر این کار را کرده بود، ولی در آنجا قصه کشته‌شدن مجید شریف واقفی بود و مجال بحث و حاشیه هم نشد. شاید همین نزدیکی بیش از اندازه به روابط درون سازمانی مجاهدین باعث بروز انتقاداتی از سازندگان «ردخون» شد. جهان «ردخون» بارها گسترده‌تر و بسیط‌تر از «ماجرای نیمروز» روایت شده بود، ولی عمده نقدها این بود که کارگردان نتوانسته شکاف‌ها و دواپارگی‌های عقیدتی دهه ۶۰ را به درستی تصویر کند. فیلمساز در «ردخون» تغییرات گذر زمان از سال ۶۰ تا ۶۷ را در رفتار کاراکترها و خلق و خوی افراد نشان می‌دهد. «کمال» با باری هادی حجازی‌فر، یکی از شخصیت‌های محوری دوگانه «ماجرای نیمروز» است که در قسمت اول، موسی خیابانی را کشته بود و در این قسمت، با واقعه‌ای مواجه می‌شود که او را تبدیل به قهرمانی متاستال کرده است. البته واکنش‌های احساسی «کمال» در مواجهه با واقعیت زندگی خواهرش، مخاطب را هم در موقعیت واکنش به آرمان «کمال» قرار می‌دهد؛ واکنشی که گاه همراه با خنده به این شخصیت بود و از سرشک به منطق برخورد با منافقین.

معمولاً آثار سینمایی که جسورانه به وقایع تاریخی نزدیک می‌شوند و فیلمساز هم از چاشنی درام برای جذابیت اثر بهره می‌برد، با انتقاداتی همراه خواهد بود که «ماجرای نیمروز؛ ردخون» از این قاعده‌مستثنی نیست. شاید همین انتقادات، محل ایرادگیری واحد نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی شده و خواسته که اصلاحاتی به این فیلم وارد شود. این هم از عجایب مدیریت فرهنگی این دولت است که در رفتار دوگانه سازمان امورسینمایی ظهور و بروز می‌کند؛ اینکه از دفتر نظارت و پخش این سازمان، پروانه ساخت و اکران فیلم‌های سخیفی همچون «رحمان ۱۴۰۰» صادر می‌شود، ولی اکران فیلم «ماجرای نیمروز؛ ردخون» با اما و اگر اصلاحات امکان‌پذیر است؟

خبر

چارسو

کارگردان پایتخت، فیلم سینمایی می‌سازد



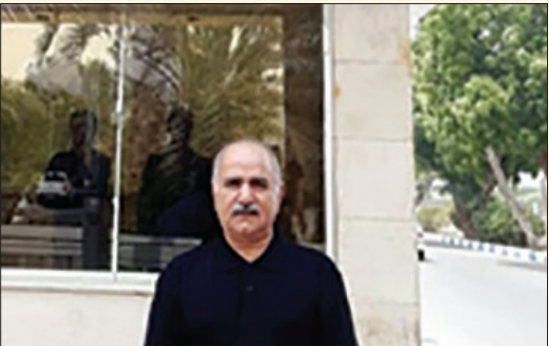
سیروس مقدم، کارگردان صاحب‌سبک و موفق تلویزیون پس از سال‌ها حضور در عرصه سریال‌سازی بار دیگر کارگردانی در سینما را تجربه خواهد کرد؛ تجربه‌ای که شاید بتواند موفقیت تلویزیونی وی را در سینما هم رقم بزند. به گزارش خبرگزاری میزان، براساس آخرین اعلام‌شورای پروانه ساخت فیلم‌نامه سینمایی «زیر زمین» نوشته‌مشتی رحمت‌محسن تالابنده و خشایار الوندی به کارگردانی سیروس مقدم و تهیه‌کنندگی الهام غفوری پروانه ساخت دریافت کرد تا این کارگردان پیشکسوت پس از سال‌ها بار دیگر شانس خود در سینما را بازیابد. سیروس مقدم با وجود کارگردانی چندین اثر سینمایی در میان مخاطبان به‌عنوان کارگردان آثار تلویزیونی شناخته می‌شود؛ شهرتی که بیش از همه به ساخت مجموعه سریالی پایتخت برمی‌گردد، سریالی که تاکنون پنج فصل آن منتشر شده و قرار است نسخه ششم آن به صورت فیلمی سینمایی روانه بازار شود. فیلم سینمایی «زیر زمین» در مجموعه بیست و دومین تجربه کارگردانی مقدم در سینما و تلویزیون محسوب می‌شود. از جمله آثاری که وی تاکنون در تلویزیون کارگردانی کرده، می‌توان به پایتخت، علی‌الدبل، میکائیل، زیر هشت، اغما و مدینه اشاره کرد؛ آثاری که اکثرانه صورت مناسبتی پخش شده و از وی چهره‌ای محبوب ساخته است. از نکات جالب توجه فیلم سینمایی «زیر زمین» می‌توان به فیلم‌نامه آن اشاره کرد. خشایار الوند، نویسنده فقید سینما نگارش این اثر را انجام داده و حالا بعد از نزدیک به یک سال از درگذشت وی، این فیلم می‌تواند خاطره خوبی را نزد هواداران الوند زنده کند.

انیمیشن، صاحب شبکه تلویزیونی می‌شود



محمد رحیم لیوانی، رئیس مرکز صبا در پاسخ به این سوال که شنیده‌ایم قرار است انیمیشن و پویانمایی ما هم صاحب یک شبکه تلویزیونی شود، تصریح کرد: «سال گذشته پیشنهاد شبکه مستقل پویانمایی را به رئیس سازمان صدا و سیما دادیم و در حال حاضر این طرح در اختیار کارگروه‌های مرتبط قرار گرفته تا در صورت فراهم‌بودن زیرساخت‌های لازم برای راه‌اندازی یک شبکه تلویزیونی جدید این اتفاق خواهد افتاد. همان‌طور که مانتصوری کنیم ایجاد یک شبکه مستقل پویانمایی قطعاً کمکی‌کند به اینکه مادر مقابل همه‌های متنوع و متفاوت غربی ها و دشمنان ما منسبت به کودکان و خردسالان در حوزه‌های فرهنگی بتوانیم رویارویی قدرتمندانه‌تری داشته باشیم. خصوصاً این روزها که آخرین چشمان آن حضوری بی‌سی در تولید برنامه کودک است.» وی با انتقاد نسبت به پخش برخی انیمیشن‌ها در تلویزیون‌های اینترنتی گفت: «متأسفانه در این vodها که هر روز مثل قاچ هم سَزم می‌شود، یکی دو کار دیدم مثل «سگ مورد علاقه ملکه» که دقیقه تبلیغ نظام سلطنتی انگلیس است. این انیمیشن سینمایی کاملاً در خدمت فرهنگ سلطنتی غربی، ترامپ و ملکه است. علت آن اینکه در بین انتخاب‌های ما برخی از vodها- که مجوز هم دارند- پیدای می‌شود، چیست. این جز پروژه نفوذ است؟» وی افزود: «مخاطب این انیمیشن کودک و خردسال است، هم سگ‌بازی را تزویج می‌دهد که جزه محرمانه ماست و هم حوزه استعماری که پشت آن ملکه انگلیس و رئیس جمهور آمریکا هستند.»

تغییر نام فرودگاه بین‌المللی بندرعباس



همزمان با سالگرد هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافربری ایران با ۲۹۰ سرنشین و خدمه توسط ناو آمریکایی وینسنس بر فراز خلیج فارس، طی مراسمی با حضور پرویز پرستویی، حبیب‌احمدزاده و مسئولان فرودگاه بندرعباس نام این فرودگاه بین‌المللی به‌شهادی پرواز ۶۵۵ بندرعباس تغییر نام یافت. پرویز پرستویی سال ۱۳۸۷ در مراسم سالگرد حمله ناو آمریکایی به هواپیمایی مسافربری ایران در جزیره قشم پیشنهاد داده بود تا نام فرودگاه بندرعباس به‌شهادی پرواز ۶۵۵ تغییر کند و امروز بعد از ۱۱ سال این پیشنهاد عملیاتی شد. حبیب احمدزاده هم در پست اینستاگرامی خود در این باره نوشت: «امروز ۱۲ تیر و در سالگرد هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافربری ایران با ۲۹۰ مسافر و خدمه به‌وسیله ناو آمریکایی وینسنس بر فراز خلیج فارس و طی مراسمی بسیار ساده، مردمی و با حضور پرویز پرستویی پیشنهاد دهنده و مبتکران حرکت، نام این فرودگاه بین‌المللی به «شهادی پرواز ۶۵۵ بندرعباس» تغییر یافت. این درخواست پرویز پرستویی از سال ۱۳۸۷ و در مراسم سالگرد این فاجعه در جمع هنرمندانی اعلام شد که برای بزرگداشت این شهدا در آب‌های جزیره قشم حضور یافته بودند. زمان برده‌داری از تابلوی موقت این مهم دقیقاً در ساعت ۱۰:۲۲ دقیقه و همزمان با لحظه اصابت موشک به هواپیما تنظیم شده بود تا کم‌به‌ثبت تاریخی این واقعه در اذهان مخاطبان باشد. باتشکر از همه دست‌اندرکاران این ماجرا. خلاصه خدایمان را شکر که بالاخره انجام شد.»